

94

پرونده شماره ۴۰

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۴۰ - ۵۰

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعاوی امراز - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
Date ۱۶ JUN 1983	۱۶/۲/۱۴۶۲
No. ۴۰	شانه ۴۰

DUPLICATE
ORIGINAL

«نسخه برای اصل»

آر. ان. پا مروی ،

ک. اس. پا مروی ، و

آر. ام. پا مروی ،

خواهانها ،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خواننده .

نظر موافق ریچارد ام. ماسک

این پرونده حاکی است که پا مروی کورپوریشن ("پا مروی") و نیروی دریائی ایران ("نیروی دریائی") در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۷۸ (۱۵ تیرماه ۱۳۵۷) قراردادی منعقد کردند که طبق آن مقرر گردید که پا مروی به مدت دوسال خدماتی عرضه نماید. مطابق قرارداد نیروی دریائی مکلف بود که مبالغی برآسا سرخهای تعیین شده با بت اعزام افراد به محل های اجرای پروژه ، به اضافه "حق الزحمه" سالانه با بت "خدمات شرکت و عملیات اداری آن" ، به پا مروی بپردازد. طرفین مبلغ حق الزحمه را در جدول دو قرارداد مشخص کردند.

علیرغم ادامه عرضه خدمات توسط پا مروی ، نیروی دریائی برخلاف تعهدات قراردادی خود بعضی از صورت حساسیاتی ما هانه پا مروی را پرداخت نکرد. و به رغم اینکه پا مروی علاقمندو آماده ادامه عرضه خدمات بود ، نیروی دریائی به پا مروی اطلاع داد که قرارداد را فسخ می نماید. نیروی دریائی هرگز نگفت که فسخ قرارداد به

علت فورس ماژور بوده است . فی الواقع ، چنانکه از قرارداد برمی‌آید ، اگر نیروی دریائی به فورس ماژور استناد می‌کرد ، پا مروی حق داشت که برابر تضمین قرارداد گلبه حق الزحمه خود را دریافت نماید . نیروی دریائی بعدا " اظهار داشت که " به اختفای مصالح نیروی دریائی " ، قرارداد رالغو کرده است ، اما در قرارداد چنین حقی به نیروی دریائی داده نشده بود . لذا ، فسخ ادعایی قرارداد توسط نیروی دریائی ، نقض قرارداد مذبور محسوب می‌گردد .

یک اصل متداول و مقدماتی در حقوق حاکی است که هرگاه قراردادی نقض شده باشد ، خواهان - متعهد له حق جبران خسارت به آن میزانی را دارد که وی را در آن وضعیت اقتضای قراردهد که اگر خواهد - متعهد به تعهداتش عمل می‌کرد ، خواهان بدآن وضعیت دست می‌یافتد .

Ryan, An Introduction to the Civil Law 86-87 (1962) ; 5 Corbin on Contracts § 992, at 5 (1964) ; 11 Williston on Contracts § 1338, at 148 (3d ed. 1968) ; H. Afchar, "Iran", in Minnatur (ed.) Contractual Remedies In Asian Countries 100 - 01 (1975) .

خسارتی که بدین طریق جبران می‌شود شامل سودی می‌گردد که به طور معقول قابل پیش‌بینی و مورد انتظار می‌باشد . (۱)

(۱) در دعوای شافت (ایالات متحده علیه گواتمالا) ، 1083, 1099 (1930) اظهارات داور به شرح زیر بود :

اگنون به مسئله خسارات خواهم پرداخت ، و در آغاز ، عبارات داور در دعوای

R.H. MAY Vs. Guatemala and Guatemala Vs. May ,

را که در Foreign Relations of the United States, 1900 (P. 673) گزارش شده است ، نقل خواهیم کرد :

" من نمی‌توانم و انمودسازم که قانون مربوط به خسارات را با عباراتی روشن تر از آنچه که وکیل دولت گواتمالا در ادعای متقابل به شرح زیر ذکر می‌کند ، بیان کنم : قانون گواتمالا می‌گوید دون خورهه مونوز (که خواهان در این پرونده تابع آن است) مانند تمام ملل متمدن دنیا ثابت می‌کند که قراردادها بین طرفین متعاقده حقوق و تعهدات متقابل ایجاد می‌کنند ، یعنی هر کس که قراردادی را امضا می‌کند نه تنها ملزم به ایفای آن است بلکه متعهد است که خسارات وزیانهایی (طرف دیگر قرارداد) را که مستقیما " یا به طور غیر مستقیم از عدم انجام یا تخلف حاصل از قصور یا تقلب طرف مربوط می‌شود . تلافی یا جبران نماید و چنین جبرانی خسارت وارد و سود پایمال شده را در بر می‌گیرد : خسارات وارد و سود پایمال شده " .

3 M. Whiteman, Damages in International Law 1860(1943); Afchar, supra, at 100; 11 Williston on Contracts, supra, § 1338 at 202, § 1346A at 245; G. Treitel, "Remedies for Breach of Contract", in VII Int'l Ency. of Comp. Law, Ch. 16, Contracts in General, 27-29 (1976).

در تعیین میزان خسارتی که به خواهان داده می شود، هزینه آن قسمت از قرارداد را که خواهان به سبب نقض آن انعام نداده است، باید از آن قسمت از بهای قرارداد که در صورت انجام کامل آن، خواهان استحقاق دریافت شود را می داشت، کسر کرد.

11 Williston on Contracts, supra, § 1363 at 342; 5 Corbin in Contracts, supra, § 1038 at 236.

اصل دیگر مربوط به جبران خسارات قرارداد آن است که خواهان حق ندارد خسارتی را دریافت کند که با کوشش معقولی قابل جلوگیری بوده است. بنا براین، اگر خوانده ثابت کرده باشد که خواهان در اثر فرمتهای ناشی از نقض قرارداد ادباً صرف مسامعی معقولی می توانسته است منافعی تحصیل نماید که در غیر آن صورت به دست نمی آمد، این مقدار از مبلغی که در حالت معکوس قابل دریافت می بوده، کسر می شود.

Treitel, supra, at 75-77; Afchar, supra, at 103; 5 Corbin on Contracts, supra, § 1039 at 251.

تصمیم دیوان داوری دائره براینکه پا مروی حق دریافت تمام مبلغ صورتحساب بهای پرداخت نشده را دارد، تصمیم درستی بود.

تشخیص دیوان داوری در این باره هم صحیح بود که در ارتباط با نقض غیرقانونی قرارداد توسط نیروی دریائی، پا مروی با بتوجهی که در صورت عدم نقض قرارداد بدهست می آورد، حق دریافت خسارتی را دارد، در این مورد خسارات مذبور عبارت از سو د از دست رفته می باشد. چه بسا که دیوان داوری جهت این نتیجه گیری که سودا زدست رفته پا مروی کمتر از میزان برآورده خواهان می شده است، دلائل موحده داشته باشد، هر چند که برای چنین نتیجه گیری دلائل چندانی در دست نیست.

با اینحال، به عقیده من اگر دیوان داوری بتواند چنین کاری را بکند، مبلغی که

بابت سود از دست رفته توسط دیوان برای پرداخت به پا مروی در نظر گرفته شده کمتر از مبلغی است که مدارک مورداستناد دیوان نشان می دهد.

به موجب قراردادی که قبلاً بین طرفین موجود بود، مبلغ معینی برآسas فرد - ما ه با بابت پرسنلی که واقعاً عرضه می شد به پا مروی پرداخت می گردید. قراربودکه این مبلغ به عنوان حق الزحمه پا مروی با بابت مخارج مربوط به پرسنل یا دشده، و سود، هزینه ثابت و سایر هزینه ها محسوب شود. طبق قرارداد مربوط در این پرونده، نیروی دریائی ملزم بودکه با بابت پرسنل مبلغ کمتری به پا مروی بپردازد، این مبلغ شامل مخارج پرسنل، حق الزحمه ثابت پا مروی با بابت سود، هزینه ثابت و سایر هزینه ها بود. مادام که پا مروی قرارداد را نقض نمی کرد، حق الزحمه ثابت می باشد پرداخت گردد.

درست است که این حق الزحمه با بابت این بودکه پا مروی حداقل ۲۰ وحدات کارمند در اختیار نیروی دریائی قراردهد و درنتیجه انقلاب تعدا دکارمندان از سطح ۲۰ نفر هم پائین تر افتاد. لیکن، مدارک نشان می دهد که نیروی دریائی به علت کاهش کارهای پروژه در اثر انقلاب به تقلیل موقت تعداد کارمندان رضایت داد. هیچ دلیلی در دست نیست که حاکی از این باشد که تقلیل تعداد کارمندان جنبه دائم داشته است. فی الواقع، امارات و قرائتی وجود دارد که نشان می دهد که طرفین در نظر داشته اند در آینده نزدیک عملیات موضوع قرارداد را به طور کامل از سرگیرند. نیروی دریائی با فسخ قرارداد، پا مروی را از فرصت انجام کامل تعهدات خود طبق قرارداد (از جمله تامین دست کم ۲۰ نفر کارمند) پس از رفع اختلالات، محروم ساخت. اجازه ندادن دولت ایران به پیمانکاران امریکائی جهت انجام خدمات در ایران، فسخ بدون مسئولیت قراردادها با اینگونه پیمانکاران را توسط دولت توجیه نکرده و در مورد تعهدات دولت مذبور تحت این قبیل قراردادها، فورس مازور به شمار نمی آید. رجوع شود به: بند ۱ ماده چهار، عهدناه مودت، روابط اقتصادی، حقوق کنسولی، مورخ ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۲۴ مردادماه ۱۳۵۴) ایالات متحده - ایران،

Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights, August 15, 1955, United States- Iran, art. IV, paragraph 1, 8 U.S.T. 900, T.I.A.S. No. 3853 (entered into force June 16, 1957); Draft Convention on the International Responsibility of states for Injuries to Aliens, art. 12, 55 Am. J. Int'l Law 548, 566-69 (1961); Restatement (Second) of Foreign Relations Law of the United States §§193, 195 (1965).

اینکه تقلیل کارمندان لزوماً " تا شیری در حق الزحمه پا مروی ندارد در اظهاریه کتبی پا مروی به نیروی دریائی چنین ذکر شده که " با درنظر گرفتن کلیه اوضاع و احوال حاکم در مجموع که هم مستقیماً و هم به طور غیر مستقیم به پروژه مربوط می شود ، درمی یابیم که به منظور صرفه جوئی برای نیروی دریائی، تعداد کارمندان ما بدون تاثیر در عملیات پشتیبانی ما ، قابل تقلیل می باشد. (تاکید از تنویسنده است) . آنچه که مشمول حق الزحمه می گردید عبارت از " عملیات پشتیبانی " بود.

پا مروی پیشنهاد کرد که نرخ احتساب با بت کارمندانی که اشتغالشان در پروژه ادامه پیدا می کند ، افزایش یابد ، و صورت حسابهای بعدی پا مروی طوری افزایش یافت که با بت حق الزحمه چیزی در آنها منظور نگردید. مغذلک ، مدارک کافی به دیوان داوری ارائه نشده است که حاکی از این باشه که در مورد تعديل تعهد مربوط به حق الزحمه موافقتی به عمل آمده یا حتی پا مروی راجع به تغییر تعهد نیروی دریائی برای پرداخت حق الزحمه پیشنهادی کرده باشد . باید متذکر شد که پا مروی در پیشنهاد خود درباره افزایش نرخ فرد - ماه تصریح کرد که " کلیه شرایط و الزامات قرارداد در مورد شرایط بازرگانی تجدید نظر شده حاضر قابل اعمال خواهد بود ". علاوه بر این با توجه به ماده مربوط به فورس ماژور در قرارداد ، به نظر نمی رسد که پا مروی برای صرف نظر کردن از تمام یا بخشی از حق الزحمه خود دلائل مهمی داشته باشد . این ماده به شرح زیر مقرر می دارد :

مدت پیش بینی شده جهت انجام کاربا ید به همان اندازه که کاربه علت فورس ماژور به تاخیر افتاده است ، تمدید شود ... در مورد فورس ماژور علاوه بر قیمت مذکور در قرارداد ، پیمانکار (پا مروی) حق دارد کلیه هزینه های را که به طور معقول در مدت فورس ماژور متحمل گردیده یا به عهده گرفته است ، دریافت نماید ، اما در هیچ موردی تعهد CED نیروی دریائی به موجب این بند از آنچه که در شرایط پرداخت مندرج در جدولهای یک و دو ذکر شده است ، تجاوز نخواهد کرد .

با وجود عدم صراحت کامل ، این شرط منطقاً " بدینگونه قبل تفسیر است که طبق آن در

صورت وجود شرایط فورس ماژور پا مروی حق دارد حق الزحمه مقرر در جدول دو قرارداد را دریافت نماید. مسلماً "، پا مروی از این شرط اطلاع داشت. زیرا وی در نامه‌ای موضوع جبرا ن تحت بند فورس ماژور را "موکول به بحث بیشتری کرد".

حذف حق الزحمه در دوفقره صورتحساب آخربمکن است حاکی ازدادن ترتیب دیگری در مورد حق الزحمه باشد. ایکن اتخاذ ذهنترتبی از این قبیل نمی‌توانست از به تعویق انداختن یا صرف نظر کردن از حق الزحمه مربوط به یک مدت محدود تجاوز نماید. حتی اگر پا مروی و نیروی دریائی موافقت کرده بودند که نرخ افزایش یافته فرد - ماه با بت پرسنل عرضه شده جایگزین حق الزحمه شود - و بدآن طریق ملاکی را که در یک قرارداد قبلی فیما بین مورد استفاده بوده، مجدداً "برقرار نمایند" - چنان توافقی صرفاً "سودی را که در حق الزحمه منظور شده بود به پرداخت های مربوط به پرسنل منتقل می‌کرد. نیروی دریائی با فسخ بنا حق قرارداد، از پا مروی در تحقیل حق الزحمه خود، بهتر ترتیبی که قرار بود پرداخت گردد، ممانعت به عمل آورد.

در هر حال، دیوان داوری مدارک کافی در اختیار ندارد که این نکته را احراز نماید که پا مروی موافقت نموده از دریافت حق الزحمه صرف نظر کند. اگرچنان موافقت نامه‌ای وجود می‌داشت، نیروی دریائی آنرا اثبات می‌کرد. این وظیفه نیروی دریائی است که اثبات نماید که راجع به کاوش، تاخیر در پرداخت یا حذف حق الزحمه موافقت نامه‌ای وجود داشت. رجوع شود به: بند ۱، ماده ۲۴ قواعد دیوان داوری. نیروی دریائی در مورد موضوع مربوط به خسارات مبارزت به معرفی هیچ شاهدی نکردو عمل "هیچگونه مدرک یا استدلالی ارائه ننمود.

علیه‌ذا، براساس مدارک، تنها به دلیل نقض قرارداد، پا مروی می‌باشد تهم مبلغ حق الزحمه ثابت را، هر چند مدتها دیرتر از تاریخی که بدوا "پیش‌بینی شده بود، دریافت کند. غرض این بوده است که سود عاید شده طبق قرارداد، تقریباً "سه چهارم حق الزحمه را تشکیل دهد. با اینکه یکی از خواهانها نوشته که هزینه‌ها بالاتر از بهای پیش‌بینی شده در قرارداد است، ولی هیچ دلیلی در مورد استمرا را این قبیل هزینه‌های پایان مدت قرارداد، در دست نیست. در واقع، غالباً "هزینه‌های مربوط به شروع خدمات در مراحل بعدی انجام قرارداداً مه‌پیدا نمی‌کند.

براساس مدارک موجود، اینجانب بیشتر از مبالغی که با بسته حق الزحمه پا مروی در حکم منعکس گردیده است، به خواهانها پرداخت می‌کردم. دیوان داوری جهت تائید اقدام خود در تقلیل دادن مبلغ موردنظر بابت خسارات ناشی از سودپایمال شده در اختیار نداشت. به نظرمی رسکه دیوان داوری، ولو ناخواسته، در واقع با موظف کردن خواهانها به اثبات فقدان واقعیات مفروض در حکم، به این نتیجه رسیده است که پا مروی در صورت انجام قرارداد متحمل هزینه‌های بیش از میزان موردا منتظر می‌گردیدوا بینکه پا مروی پس از انعقاد قرارداد، با نیروی دریائی ترتیبات دیگری در مورد حق الزحمه داده است. نیروی دریائی می‌باشد مسئولیت اثبات این واقعیات فرضی را به عهده می‌گرفت. دیوان داوری در این مورد توضیحی نداده است که با وجودا بینکه نیروی دریائی راجع به این واقعیات ادعائی هم نکرده است، چگونه انتظار می‌رفت که خواهانها از عهده اثبات آنها برآیند.

علاوه، من معتقدم که خواهانها می‌باشد می‌باشد براساس نرخ واقعی استقراری پا مروی با براساس نرخهای جاری با زرگانی از تاریخ نقض قرارداد بهره‌دریافت ننمایند. علاوه بر این، خواهانها می‌باشد مبلغی که منعکس کننده کل مبلغ حق الوکاله‌های که علی القاعده پرداخته‌اند، دریافت کنند. رجوع شود به بنظر موافق اینجانب در حکم شماره ۳ - ۳۵ - ۱۸ (گرانیت استیت ماشین کامپنی، اینکورپوریتد). این نظر در تاریخ ۲۵ زانویه ۱۹۸۴/۵ بهمن ۱۳۶۱ به ثبت رسیده است)

اینجانب از آن جهت به حکم رای موافق داده‌ام که اکثریت حاصل شود. رجوع کنید به:

Sanders, Commentary on UNCITRAL Arbitration Rules, II
Yearbook Commercial Arbitration - 1977, 172, 208

در صورتیکه اینجانب به حکم دیوان رای موافق نداده بودم، چه با که اصلاً "حکمی صادر نمی‌گردید، یا لاقل برای یک مدت طولانی^(۲) صدور حکم تحقق نمی‌یافتد، چنین پی‌آمدی زیان وارد به خواهانها در نتیجه نقض قرارداد را تشیدمی‌نمود.

(۲) طول مدت از زمان استماع تا صدور حکم در این پرونده و بسیاری پرونده‌های دیگر نگرانی اینجانب در مورد تا خیرهای موجود در فرآیند تصمیم‌گیری دیوان داوری را توجیه می‌نماید.

عليهذا ، اينجا نسب به حکم ديوان داوری دا ثربر پرداخت مبلغ ۲،۹۸۰،۴۴۱،۰۹ دلار
آمريكا به خواهانها و مردود شناختن ادعاهای متقابل رای موافق می دهم .

لاهه ،

بتاريخ ژوئن ۱۹۸۳ برابر با خدادادماه ۱۳۶۲ .

Richard M. Mask

ريچارد ام. ماشك